

معضل خلاء میان راهبرد و تاکتیک در ارتش اسرائیل

ابراهیم کیمیایی دین^۱

محمدحسین صفائی^۲

چکیده

شکاف بین راهبرد و تاکتیک در یک ارتش، همان گسست بین رویه‌های کلان فرماندهی ستاد و تاکتیک‌های روزانه‌ی به کار گرفته شده توسط نیروهای مستقر در خط مقدم است؛ این خلاء می‌تواند منجر به سردرگمی، ناکارآمدی و در نهایت شکست یک نیروی نظامی شود. ارتش رژیم صهیونیستی به دلیل ابتلاء به کابوس ژئواستراتژیکی در عین ضعف در استعداد نفری از بارزترین نیروهای نظامی جهان هست که همواره در پی رهایی از این معضل است؛ برای نیل به این هدف طی سالیان متمادی رؤسای ستاد ارتش اسرائیل با طراحی یک فرایند روش‌شناختی بر اساس تحلیل‌های فلسفی پست مدرنی خصوصاً ادراکات فوکو، نظریات یادگیری را با چالش‌های پیش‌روی رده‌های ستادی و صف ارتش رژیم صهیونیستی تطبیق می‌دهند؛ همان فرایندی که در حکم لایه‌ی میانی راهبرد و تاکتیک یا جبران‌کننده‌ی خلاء بین تصمیم‌های فرماندهان ستادی و اقدامات تاکتیک‌ورزان مستقر در لبه‌ی میدان نبرد است. این پژوهش بر اساس توصیف و تحلیل محتوای اسناد دفاعی رژیم صهیونیستی در سطح راهبردی با استفاده از نرم افزار اطلس‌تی (ATLAS.ti)، به دنبال ایضاح قلمروی نظری میان راهبرد، تاکتیک‌ها و نحوه دستیابی به اهداف در ارتش اسرائیل است. طبق یافته‌ها ارتش اسرائیل برای پُر کردن شکاف بین راهبرد و تاکتیک در هر نبرد قبل از هرچیز علیه سیستم‌های دشمن و نه فقط ارتش متخاصم وارد عمل می‌شود. برای شکست دادن این سیستم‌ها، ارتش اسرائیل نقاط قوت و ضعف را شناسایی و تعادل آنها را مختل می‌کند. بر این اساس هر اقدام نظامی اسرائیل ضرورتاً نه تنها بر رویدادهای میدان نبرد بلکه باید بر جامعه خودی و دشمن اثرگذار باشد؛ در واقع اسرائیل با فلج کردن نقاط ثقل دشمن و تمرکز بر اثرات روان‌شناختی ناشی از ناتوانی رقیب در پاسخگویی، به دنبال برهم زدن تعادل و فروپاشی دشمنانش است.

واژگان کلیدی: ارتش اسرائیل، راهبرد، تاکتیک، طراحی عملیاتی سیستم و عملیات مبتنی بر اثر.

^۱ دانش‌آموخته دکتری رشته علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران. رایانامه: kimiyaei@isu.ac.ir

^۲ استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی. رایانامه: mhs13680@yahoo.com

مقدمه

از چالش‌های اصلی هر ارتش، شکاف بین استراتژی و تاکتیک یا گسست بین رویه‌های کلان فرماندهی ستاد و تاکتیک‌های روزانه‌ی به کار گرفته شده توسط نیروهای مستقر در خط مقدم است؛ این خلاء می‌تواند منجر به سردرگمی، ناکارآمدی و در نهایت شکست یک ارتش شود. معضل زمانی به وجود می‌آید که بین اهداف استراتژیک تعیین شده توسط فرماندهان ستادی و تصمیمات تاکتیکی که توسط افسران و سربازان لبه‌ی نبرد گرفته می‌شود، فهم مشترک، هماهنگی و یکپارچگی لازم وجود نداشته باشد. فقدان ارتباط واضح بین ابلاغیات ستاد و وقایع میدان (عدم درک اهداف بزرگتر و نحوه ارتباط آنها با تاکتیک‌های مورد استفاده)، تفاوت سطح تصمیمات (استراتژیست‌ها بر سطح بالایی از اهداف تمرکز دارند، در حالی که تاکتیک پردازان بر مسائل فوری و محلی تمرکز می‌کنند) و تغییر شرایط (تغییر وضعیت میدان جنگ می‌تواند منجر به قطع ارتباط بین استراتژی اصلی و وضعیت تاکتیکی شود) ازجمله مهمترین دلایل بروز چنین فاصله‌ای بین راهبرد و تاکتیک در سطح نیروهای مسلح هر کشوری هست (Finkel, 2018:163-170).

برای حل این مشکل در مرحله‌ی اول باید اطمینان حاصل کرد که ارتباط شفاف بین تمام سطوح فرماندهی از استراتژیست‌ها گرفته تا تاکتیک پردازان وجود داشته باشد؛ در مرحله‌ی بعدی یکپارچگی بین برنامه‌ریزی استراتژیک و اجرای تاکتیکی با مشارکت تاکتیک پردازان در فرآیند برنامه‌ریزی و اطمینان از درک آنها نسبت به اهداف گسترده‌تر باید حاصل شود؛ سپس باید برنامه‌ها انعطاف‌پذیر باشند تا امکان انطباق با شرایط در حال تغییر در میدان جنگ فراهم شود. همچنین از فناوری برای افزایش ارتباطات توأم با سرعت بیشتر، آگاهی موقعیتی و توانایی‌های تصمیم‌گیری در تمام سطوح فرماندهی استفاده شود (Finkel, 2018:171-183).

ارتش رژیم جعلی اسرائیل به دلیل قرارگرفتن در یک محیط متخاصم در عین فقدان عمق راهبردی و نیروی نظامی نسبتاً بزرگ، از بارزترین مبتلایان به خلاء بین راهبرد و تاکتیک به در عرصه‌ی نظامی به حساب می‌آید. فقدان یک زبان مشترک بین سیاستمداران و فرماندهان ارتش، سیاست‌زدگی دستگاه دفاعی - امنیتی اسرائیل (Rapaport, 2010: 29-45)، محیط به شدت متغیر سرزمین‌های اشغالی و رشد توان نظامی گروه‌های مقاومت از اصلی‌ترین محرک‌های سرعت یافتن این روند در سرزمین‌های اشغالی محسوب می‌شوند؛ برای حل این معضل، ستاد مشترک ارتش اسرائیل با بهره‌گیری از الگوی ارتش آمریکا اقدام به معرفی طرح‌های ۵ ساله‌ای برای ارتش خود کرده است؛ برنامه‌های ۲۰۰۰، تفن، گیدئون و تنوفا از این قبیل هستند. در این تحقیق تلاش شده بر پایه‌ی تحلیل یکی از اسناد راهبردی ارتش اسرائیل که توسط دن حالوتس^۱ در سال ۲۰۰۶ اعلام شده، اصلی‌ترین رویه‌ی به کار گرفته شده توسط نیروهای دفاعی اسرائیل برای حل معضل شکاف بین تاکتیک و راهبرد یعنی اجرای هر عملیات برای تغییر سیستم‌ها و اثر گذاری همزمان آن بر جامعه خودی و دشمن، به تصویر کشیده شود. این سند اگرچه در همان سال انتشار و پس از جنگ دوم لبنان کنار گذاشته شد، اما وقایع صورت گرفته در حملات متقابل مقاومت و اسرائیل پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بیان‌گر بازگشت ارتش اسرائیل به مبانی مطرح شده در سند حالوتس است.

¹ Dan Halutz

روش‌شناسی

این مقاله از روش پژوهش اسنادی بهره خواهد برد و گردآوری اطلاعات نیز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای است. روش اسنادی یک روش کیفی است که در آن پژوهشگر تلاش می‌کند با استعانت از داده‌های اسنادی نظام‌مند مطلوب پژوهش خود را پیگیری کند (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۹). این روش در مطالعه سیر تکوینی یک موضوع بسیار کارآمد است و گام‌های اجرای آن عبارتند از:

۱. انتخاب موضوع و سؤالات اصلی و فرعی
۲. بررسی پیشینه پژوهش
۳. انتخاب رویکرد نظری
۴. جمع‌آوری منابع و تکنیک بررسی منابع (مرور نظامند و طبقه‌بندی داده‌ها)
۵. نگارش
۶. گزارش (جمع‌بندی) (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۸۶-۷۱).

تکنیک بررسی منابع در این پژوهش استفاده از نرم افزار اطلس تی (ATLAS.ti) است. اطلس تی یک نرم افزار متن کاو است که قابلیت بالایی در تحلیل داده‌های کیفی از طریق کدگذاری، مقوله بندی و تبیین مضامین اصلی متون دارد و می‌تواند در ساخت شبکه‌های مفهومی پژوهش‌گران را یاری کند (اکبری و غفوریان، ۱۳۹۴، صص ۷۴-۷۲).

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

اگرچه تاکنون تحقیقات معدودی در خصوص مسائل نظامی اسرائیل در مجامع علمی کشور به ثبت رسیده اما از میان این موارد نادر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- مقاله‌ی تغییر و تداوم در اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی منتشر شده در فصلنامه محیط شناسی راهبردی ج.ا.ایران، دوره: ۶، شماره: ۲ به قلم امیررضا مقومی و روح الله قادری کنگاوری (۱۴۰۱). این مقاله با اشاره‌ی ضمنی به دکترین نظامی، به تطورات دکترین امنیتی اسرائیل از بدو تاسیس تا به حال پرداخته است؛ اما در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا به صورت تخصصی به یک اشکال در حیطه‌ی راهبرد و تاکتیک نظامی پرداخته شود.
- مقاله‌ی جنگ آینده در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی منتشر شده در فصلنامه سیاست دفاعی، دوره: ۱۰، شماره: ۳۲ به قلم گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی (۱۳۷۹). فرض اساسی مقاله این است که به موازات نبود یک جایگاه حقوقی و مشروع سرزمینی برای چنین پدیده شومی (اسرائیل)، تصویر یک جنگ آینده برای حاکمان این رژیم بسیار حاد و حساس است و از این رو، به هر نحو ممکن همواره می‌کوشند تا پیش از رسیدن چنان وضعیتی بآ ایجاد یک جنگ از آن جلوگیری کنند. در مقاله حاضر سعی شده این ادعا به صورت علمی تر تحلیل، بررسی و حتی به صورت ضمنی رد شود.
- مقاله‌ی دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل منتشر شده در نشریه‌ی مطالعات سیاسی، دوره: ۱۰، شماره ۴۰ (۱۳۹۷). فرض اساسی مقاله این است که از ابتدای تاسیس رژیم صهیونیستی، خطر انزوا

تهدید جدی برای دولت‌مردان آن بوده است. با توجه به این تهدید دیوید بن گوریون دکتترین اتحاد پیرامونی را برای خروج از انزوا در برابر اتحاد دول عربی مطرح کرد. در مقاله حاضر سعی شده بر فرض عدم توفیق اسرائیل در رسیدن به این هدف، ترتیبات دفاعی این رژیم واکاوی شود.

- کتاب دکتترین نظامی رژیم صهیونیستی تألیف دکتر حسین حسینی جیردهی و منتشر شده در دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (۱۳۹۹).

- کتاب دکتترین نظامی اسرائیل تألیف دکتر جهانگیر کرمی و منتشر شده در موسسه مطالعات اندیشه سازان نور (۱۳۸۹).

این دو کتاب بیشتر بر تبیین دکتترین کلاسیک اسرائیل متمرکز هستند و با توجه به سال تألیف، اشاره‌ای به تغییرات دوران معاصر و برخی تحولات دوره مدرن در سطح دکتترینی و راهبردی ندارند. تلاش شده مفاهیم دفاعی - امنیتی اسرائیلی در پرتو تحولات بعد از نبرد طوفان الاقصی باز تعریف شوند.

مبانی نظری

دکتترین‌های نظامی به عنوان زیر مجموعه‌ای از دکتترین ملی هر کشور بیان‌گر منویات، معتقادات و ارزش‌های حاکم بر ساختار دفاعی - امنیتی آن کشور هستند؛ در واقع این نوع دکتترین‌ها با ارائه‌ی یک نقشه‌ی راه به دنبال تأمین مقاصد مشخص شده در اسناد امنیت ملی و یا فرهنگ راهبردی کشورها خواهند بود؛ در ادامه به بررسی تفصیلی دکتترین نظامی، راهبرد نظامی و راهبرد نظامی در ادبیات دفاعی - امنیتی مرسوم خواهیم پرداخت. به‌منظور فهم بهتر موضوع این پژوهش، تلاش شده ارتباط مفهومی میان کلید واژه‌های دفاعی - امنیتی نیز به تصویر کشیده شود.

دکتترین نظامی

فریدریش دوم معروف به فریدریش کبیر^۱ می‌گوید:

«جنگ یک امر شانس‌ی نیست. مقدار زیادی دانش، مطالعه و مراقبه برای انجام خوب آن ضروری است».^۲ مقصود از دکتترین نظامی، مجموعه‌ای از ایده‌های پذیرفته شده در مورد جنگ است. پذیرش ایده‌ها می‌تواند نتیجه استفاده‌ی طولانی مدت ایده توسط مقامات نظامی، ملت یا گروهی خاص باشد. پس از بررسی و پذیرش توسط متخصصان بسیار با تجربه که گروه‌های مختلف بررسی و کمیته‌های دکتترین را تشکیل می‌دهند، ایده و بهترین عمل به دکتترین تبدیل می‌شود (Sauboorah, 2009:3).

دکتترین نظامی می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی نظامی و یا حاصل یک یا چند نظریه نظامی باشد. دکتترین نظامی پایه و اساس اصولی است که به وسیله آن نیروهای نظامی یا عناصر مرتبط، اعمالشان را در حمایت از اهداف ملی، هدایت می‌کنند؛ البته دکتترین مستلزم تفسیر هنگام کاربرد هم هست. دکتترین همیشه باید با زمینه‌ی استراتژیک خاص یک بحران یا جنگ تطبیق داده شود (NATO, AJP, 3.3(A)).

^۱ پادشاه بخش اصلی امپراتوری آلمان از سال ۱۷۴۰ تا هنگام مرگش در سال ۱۷۸۶ میلادی.

^۲ جان اسپنسر (۲۱ مارس ۲۰۱۶). دکتترین نظامی چیست؟. برگرفته از لینک:

برای درک صحیح از دکترین باید آن را به عنوان تجسم پیوند حیاتی بین نظریه و عمل تصور کنیم. باید بفهمیم این پُل از چه چیزی تشکیل شده است (Posen, 1984: 242). دکترین در سطوح تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیک جنگ، عمل کردهای متفاوت اما مرتبط، انجام می‌دهد. در سطح راهبردی، دکترین جهت و درک را فراهم می‌کند. در سطح عملیاتی، دکترین درک و آموزش را فراهم می‌کند و در سطح تاکتیکی، دکترین فقط آموزش و آموزش می‌دهد؛ این حالت از آنجا نشأت می‌گیرد که هر سیستم فرماندهی یک هدف ساده دارد، ایجاد هم‌سویی صحیح، اقتدار و مسئولیت در میان سطوح مختلف در یک سلسله مراتب نظامی (Corum, 1992: 39).

به عنوان نکته‌ی آخر این بخش، دکترین یک زبان مشترک برای متخصصان نظامی فراهم می‌کند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ زمانی که اطلاعات باید به سرعت و با دقت منتقل و به‌طور جهانی درک شوند.

راهبرد نظامی

در حالی که دکترین جنبه علمی‌تر جنگ را نشان می‌دهد، استراتژی نشان دهنده جنبه‌ی هنری نبرد است. بحث از استراتژی یا راهبرد نظامی در دسته‌ی علوم نظامی جای دارد و شامل مقوله‌های جنگ و سیاست خارجی هم می‌شود.

منظور از راهبرد یا همان استراتژی نظامی، سیاستی است که حکومت‌ها به واسطه‌ی بازوان نظامی خود، برای نیل به اهداف کلان اتخاذ می‌کنند. این مفهوم شامل طرح‌ریزی و اجرای رقابت بین واحدهای مسلح بزرگ و متخاصم است. در راهبرد نظامی دو طرف می‌کوشند تا با استفاده از منابع اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی در برابر دشمن به سیادت نظامی برسند یا تمایل دشمن به جنگ را کاهش دهند در نتیجه استراتژی شریک ضروری دکترین است. استراتژی تعیین می‌کند که چگونه اهداف سیاسی باید پیشبرد و ایمن شوند و ابزاری را برای دستیابی به این اهداف انتخاب می‌کند (Gray; 2010: 78).

کارل فون کلاوزویتز^۱ راهبرد نظامی را به‌کارگیری نبردها برای کسب پیروزی نهایی در جنگ تعریف می‌کند. لیدل هارت^۲ معتقد است راهبرد نظامی هنر توزیع و به‌کارگیری توانایی‌های نظامی به منظور برآوردن کامل اهداف کلان است. با این همه، دیپلماسی اصل مهم یک راهبرد است که از طریق آن یک ملت می‌تواند با ملل دیگر ائتلاف کند یا ملت دیگری را برای تسلیم شدن تحت فشار قرار دهد تا بدون توسل به جنگ به پیروزی برسد (Gartner, 1999: 163).

تاکتیک

تاکتیک‌های نظامی، اقدامات خاصی است که توسط نیروهای نظامی برای دستیابی به اهداف خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. تاکتیک‌ها کاربردهای عملی استراتژی و دکترین نظامی هستند و برای بهره‌برداری از نقاط قوت و ضعف نیروهای خودی و دشمن طراحی شده‌اند. نمونه‌هایی از تاکتیک‌های نظامی عبارتند از کمین، مانورهای جانبی، بمباران توپخانه و استفاده از پوشش و اختفا.

تفاوت اصلی بین استراتژی و تاکتیک در این است که استراتژی به برنامه و جهت کلی یک نبرد یا کمپین مربوط می‌شود، در حالی که تاکتیک‌ها بر اقدامات فوری توسط سربازان در زمین برای دستیابی به اهداف خاص متمرکز است.

¹ Carl von Clausewitz (1780-1831)

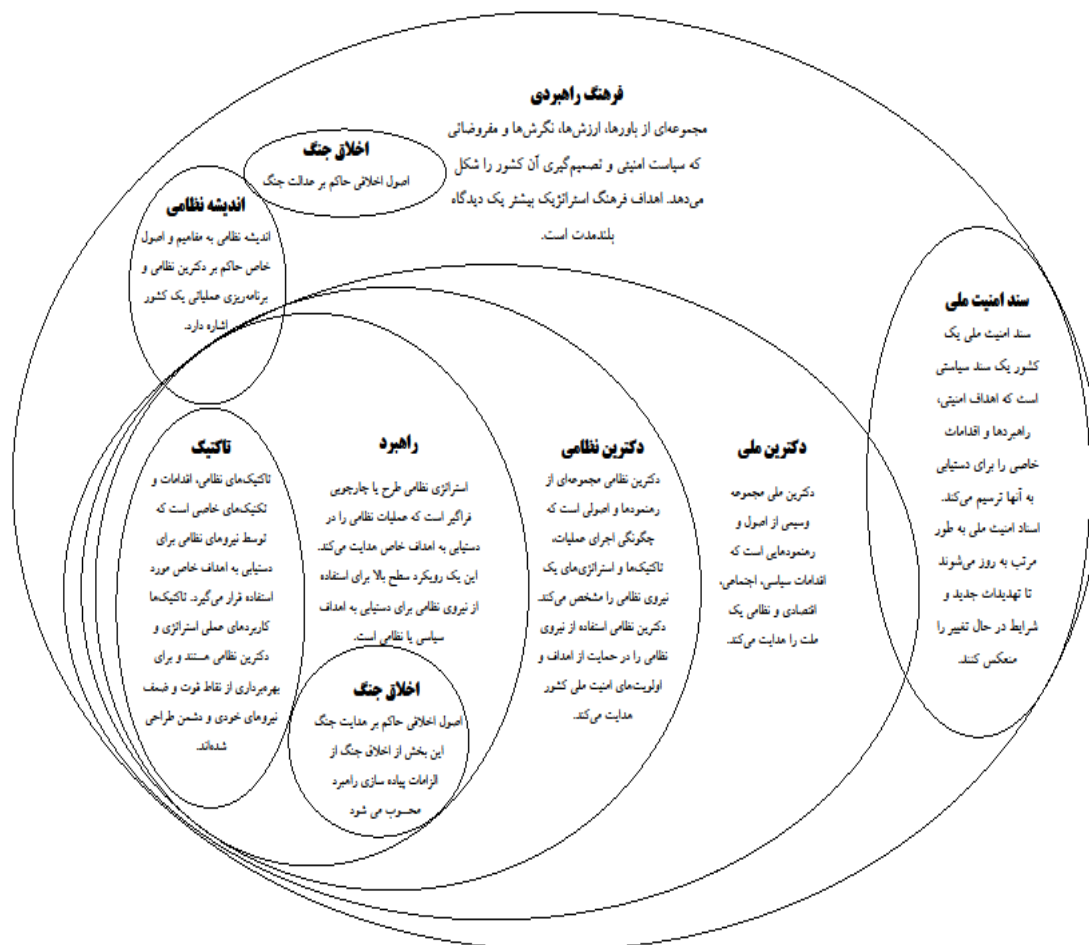
² Basil Henry Liddell Hart (1895-1970)

مقایسه بین دکترین، راهبرد و تاکتیک

راهبرد نظامی از لحاظ وسعت حوزه نظری، بزرگتر از تاکتیک نظامی است که هدفش استقرار و تحرک یگان‌ها در زمین یا دریا است. راهبرد در اصل به عنوان پیش‌درآمد یک نبرد تلقی می‌شود در حالی که تاکتیک را به عنوان مجری راهبرد می‌شناسند. اهدافی را که باید در یک لشکرکشی نظامی به دست آیند توسط راهبرد تعیین می‌شوند در حالی که شیوه‌های رسیدن به این اهداف توسط تاکتیک مشخص می‌شوند.

اهداف راهبردی می‌توانند شامل تصمیماتی چون «ما می‌خواهیم ناحیه‌ی الف را اشغال کنیم» باشند؛ اما تصمیمات تاکتیکی می‌توانند شامل جملات یک فرمانده همچون «ما می‌خواهیم این کار را با حمله‌ای دریایی به شمال کشور الف انجام دهیم» باشند (US Army Field Manual and FM 3-0).

در نگاهی یک‌پارچه، دکترین نظامی بدون راهبرد، یک نقشه راه بدون مقصد است؛ جهت و راهنمایی ارائه می‌دهد، اما بدون هدف مشخص قادر به دستیابی به موفقیت واقعی نیست. راهبرد بدون تاکتیک صرفاً یک ایده انتزاعی و یک تلاش، بدون هیچ‌گونه گام عملی برای دستیابی به هدف است. اگر تاکتیک بدون یک استراتژی اجرا شود، نتیجه تضمین شده نیست و ممکن است وضعیت مطلوب را به همراه نداشته باشد؛ مثل اینکه یک تیم ورزشی بر پیروزی در بازی‌های گروهی بدون برنامه‌ریزی منسجم برای کسب عنوان قهرمانی تمرکز کند. در تصویر زیر الگوی مفهومی نسبت بین مفاهیم راهبردی در حوزه نظامی آورده شده است.



تصویر شمار یک- الگوی مفهومی نسبت بین مفاهیم راهبردی در حوزه نظامی

برنامه‌های ۵ ساله ارتش اسرائیل در سطح راهبردی

ایده‌ی تدوین اسناد راهبردی در ارتش رژیم صهیونیستی منبعث از مبانی نهادهای نظامی - امنیتی آمریکا و انگلیس است. قانون گلدواتر- نیکولز^۱ (قانون عمومی ۹۹-۴۳۳، ۱ اکتبر ۱۹۸۶) نقش رئیس ستاد مشترک ارتش را به‌عنوان بخشی از اصلاحات نیروهای مسلح ایالات متحده تعریف و تصریح می‌کند که وزیر دفاع باید گزارش سالانه‌ای شامل اهداف و سیاست‌های امنیت ملی، اولویت‌های مربوط به وظایف نظامی و تخصیص منابع برای آن دوره تدوین کند؛^۲ رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا موظف است به وزیر دفاع در این کار کمک کند (ماده ۱۵۳ از همین قانون). در آمریکا از سال ۲۰۰۲، استراتژی نظامی ملی توسط رئیس ستاد مشترک ارتش امضا می‌شود. سند رئیس ستاد باید با جزئیات به نحوه پاسخگویی نیروهای مسلح آمریکا به تهدیدات اصلی امنیت ملی همانطور که در اسناد توسط رئیس جمهور و وزیر دفاع توضیح داده شده است، اشاره کند.^۳ در بریتانیا نیز به‌عنوان یک مورد مشابه اسناد متعددی توسط رده سیاسی، تحت عنوان کلی بازنگری دفاعی، نوشته می‌شوند. در سال ۲۰۱۰ مقرر شد که چنین اسنادی باید هر پنج سال یک‌بار به روز شوند.^۴ در اسرائیل اما طی دو دهه‌ی گذشته اسناد نظامی که در واقع مهم‌ترین گزارش‌های رسمی امنیتی رژیم صهیونیستی هستند توسط رئیس ستاد مشترک ارتش نوشته می‌شوند. در ادامه برخی از این اسناد مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

سند راهبردی موفاز (طرح ۲۰۰۰)

این سند چهار ماه قبل از پایان دوره تصدی شائول موفاز^۵ به‌عنوان رئیس ستاد (۲۰۰۲-۱۹۹۸م) منتشر شد تا با مستندسازی عملکرد وی، تجربیات و نقطه نظر موفاز در اسناد راهبردی نظامی ثبت شود. یکی از اهداف موفاز از ارائه سند راهبردی، تعریف یک زبان راهبردی مشترک برای ارتش اسرائیل بود^۶

سند راهبردی حالوتس (طرح ۲۰۰۶)

این سند تحت نظر ریاست وقت ستاد کل دن حالوتس (۲۰۰۷-۲۰۰۵م) در آوریل سال ۲۰۰۶ ارائه شد. گزارش حالوتس با تعدادی از ایده‌های محوری سروکار داشت که بیشتر آن‌ها در آن زمان جدید بود؛ از جمله این ایده‌های جدید، چگونگی سازماندهی و نحوه تفکر ارتش اسرائیل و چارچوب‌های شناخت دشمن اصلی بودند (Preisler-Swery, 2017, 9-50 [in Hebrew]).

سند راهبردی اشکنازی (طرح تفن)

سرلشکر گابی اشکنازی^۷ (۲۰۱۱-۲۰۰۷م) در فوریه ۲۰۰۷ و پس از استعفای حالوتس، رئیس ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی شد. اشکنازی به‌عنوان رئیس ستاد کل باید با عواقب جنگ دوم لبنان^۸ دست و پنجه نرم

¹ Goldwater-Nichols Act

² <https://www.govinfo.gov/content/pkg/STATUTE-100/pdf/STATUTE-100-Pg992.pdf>

³ <https://uscode.house.gov>

⁴ House of Commons Library (2020). A brief guide to previous British defence reviews. Briefing Paper Number 07313.

⁵ Shaul Mofaz

⁶ Amatz, 2002, Training and Theory (internal IDF document, not available to civilians)

⁷ Gabi Ashkenazi

^۸ جنگ اسرائیل و لبنان که در ایران به جنگ ۳۳ روزه، در اسرائیل به جنگ دوم لبنان (به عبری: **מלחמת לבנון השנייה**) و در لبنان به جنگ ژوئیه (عربی: حرب تموز) معروف است، جنگی است در سال ۲۰۰۶ که به مدت ۳۳ بین ارتش اسرائیل و حزب‌الله لبنان به وقوع پیوست و دامنه آن شمال اسرائیل و سراسر لبنان را در بر گرفت.

می‌کرد. هدف طرح او بررسی درس‌های ارتش رژیم صهیونیستی از جنگ دوم لبنان و بررسی نحوه اجرا و بازتاب آن در طراحی سند راهبردی گابی اشکنازی یا طرح تفن^۱ بود.

سند راهبردی گانتز (طرح ۲۰۱۳)

این سند در اواخر سال ۲۰۱۳، تقریباً سه سال پس از روی کار آمدن گانتز^۲ (۲۰۱۵-۲۰۱۱م) به‌عنوان رئیس ستاد کل ارتش، در جریان جنگ سوریه و مذاکرات بر سر توافق هسته‌ای با ایران منتشر شد. از نظر روند، کار بر روی سند در دوره ریاست ستاد گابی اشکنازی آغاز شد و در زمان گانتز با راهبری مرکز دادو^۳ در شعبه عملیات (J3 (Amatz)) ادامه یافت و سپس شخصاً توسط رئیس وقت Amatz، سرلشکر یوآو هار ایون^۴ تکمیل شد. در این سند چهار موضوع اصلی جدید ظاهر شد که عبارت بودند از: وضعیت اضطراری، نبرد بین جنگ‌ها، عمق عملیاتی و فضای سایبری.

سند راهبردی آیزنکوت (طرح گیدئون)

آیزنکوت^۵ (۲۰۱۹-۲۰۱۵م) در اوت سال ۲۰۱۵ سند وقت راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی را تهیه و منتشر کرد. آیزنکوت این سند را منتشر کرد تا شفافیت بین ارتش رژیم صهیونیستی، مقامات سیاسی و مردم را بیشتر کند و رده‌های سیاسی را ترغیب نماید تا با ایده‌های بیان شده در این سند به عنوان پاسخی به فقدان «اسناد رسمی امنیت ملی» ارتباط برقرار کنند. این سند که با نام گیدئون^۶ نیز شناخته می‌شود، در مقایسه با پیشینیان خود به شیوه‌ای غیرمعمول به‌منظور امکان گفتگوی آزاد با رده سیاسی مورد استفاده و انتشار قرار گرفت. در سند گیدئون بر توسعه‌ی توانایی ارتش اسرائیل برای اقدام علیه حماس و حزب الله تاکید شده بود.

سند راهبردی کوخاوی (طرح تنوفا)

در ۱۳ فوریه ۲۰۲۰، سرلشگر آویو کوخاوی^۷ (2019-2023م) از طرحی چند ساله تحت عنوان تنوفا^۸ رونمایی کرد. کوخاوی با اجرای این طرح بدنبال پیروزی و غلبه بر ایران، حزب الله و حماس در جنگ آینده و همچنین دستیابی به این پیروزی در کمتر از ۵۱ روز (عملیات صخره استوار در غزه^۹) یا ۳۴ روز^{۱۰} بود. فرض اساسی که منجر به تدوین طرح تنوفا شد، این بود که حزب الله، حماس و ایران توانایی‌های خود را افزایش داده و فاصله توان‌مندی‌شان با برتری‌های ارتش رژیم صهیونیستی را کاهش داده‌اند؛ هدف این طرح جدید، افزایش این فاصله است. در واقع می‌توان طرح جدید آویو کوخاوی را برنامه‌ای برای ایجاد رویکرد جدید ارتش رژیم صهیونیستی با قدرت ویران‌گری بیشتر توصیف کرد که ضمن نابودی سریع دشمن، زمان جنگ‌های آینده رژیم صهیونیستی

¹ TEFEN

² Gantz

³ Dado center

⁴ Yoav Har Even

⁵ Gadi Eizenkot

⁶ Gideon

⁷ Aviv Kochavi

دپارتمان مطالعات نظامی ارتش اسرائیل که بر سطح عملیاتی جنگ متمرکز است.

^۸ اقدام سریع و شدید תנופה

^۹ جنگ سوم غزه و رژیم صهیونیستی

^{۱۰} جنگ دوم لبنان و رژیم صهیونیستی

خصوصاً با جمهوری اسلامی ایران را کوتاه‌تر خواهد کرد. کوخاوی فرمانده وقت ستاد ارتش رژیم صهیونیستی و مبدع طرح پیشنهاد کرد که یک نهاد جدید در ستاد کل ارتش تاسیس شود که صرفاً بر ایران تمرکز داشته باشد و همه‌ی متخصصان مسائل ایران را در این نهاد جمع کند. این نهاد که به مرکز استراتژی و مدار سوم (فرماندهی ایران) معروف شده، صرفاً بر مسائل مرتبط با ایران تمرکز می‌کند و در کنار تحلیل اطلاعات مرتبط با ایران، طرح‌های رژیم صهیونیستی علیه این کشور را تدوین خواهد کرد. کوخاوی در این باره می‌گوید:

«تهدیدها منتظر ما نمی‌مانند (تا برای آن‌ها آماده شویم) ما در یک جای منحصر بفرد هستیم که اگر الآن پدال گاز را محکم فشار ندهیم و واقعا سرعت را بیشتر نکنیم، نه در یک ماه یا در یک سال، بلکه در چند سال آینده یک شکاف ایجاد خواهد شد. این مشخص خواهد کرد که چگونه پیروز می‌شویم».

۱

مبانی پست مدرنیسم فوکویی

اگرچه فیلسوف فرانسوی میشل فوکو،^۲ مفهوم «پیروزی» یا «شکست» را به معنای کلاسیک آن به صراحت مورد بحث قرار نمی‌دهد، اما ایده‌های فلسفی پست مدرن او را می‌توان برای درک اینکه پویایی قدرت و گفتمان، چگونه درک ما از جنگ را شکل می‌دهد به کار برد. در چارچوب اندیشه‌ی فوکو، قدرت در اختیار یک فرد یا موجودیت واحد نیست، بلکه در سراسر شبکه‌ای از روابط، نهادها و گفتمان‌ها توزیع شده است. او استدلال می‌کند که قدرت از طریق تولید و تنظیم دانش، هنجارها و ذهنیت‌ها اعمال می‌شود. در متن جنگ، این بدان معناست که تصویر طرف پیروز صرفاً، همان واقعیت عینی و یا بازتابی از واقعیت نبوده، بلکه محصول پویایی‌های پیچیده قدرت است. طرف برنده ممکن است پیروز دیده شود، زیرا گفتمان آن‌ها بر روایت مناقشه تسلط داشته، روابط قدرت آن‌ها در شکل دادن به رویدادهای میدانی مؤثرتر بوده و یا تولید دانش آن‌ها در شکل دادن به افکار عمومی تأثیرگذارتر باشد. ایده‌های فوکویی را می‌توان در درگیری‌های مختلف به کار برد تا مفاهیم سنتی پیروزی و شکست را به چالش بکشد؛ به عنوان مثال در جنگ بر سر سرزمین‌های استعماری یا منابع طبیعی، تصویر پیروزی ممکن است با توانایی کنترل روایت پیرامون موضوعاتی مانند هویت، فرهنگ یا منافع اقتصادی شکل بگیرد؛ پس فلسفه پست مدرن فوکو ما را تشویق می‌کند تا تشخیص دهیم که تصویر پیروزی یا شکست اغلب توسط شبکه‌های پیچیده روابط، گفتمان‌ها و تولید دانش شکل می‌گیرد تا واقعیت عینی.

تحلیل یافته‌ها

سند حالوتس و راه حل معضل خلاء بین تاکتیک و راهبرد در ارتش اسرائیل

همانگونه که در مقدمه‌ی تحقیق آورده شد در این پژوهش تلاش می‌شود بر پایه‌ی سند راهبردی دن حالوتس، یکی از راه کارهای ارتش اسرائیل که در حال حاضر به عنوان علاج خلاء میان راهبرد و تاکتیک (ناشی از عدم فهم مشترک در جامعه‌ی نظامی اسرائیل) در جبهه‌ی نبرد و متعاقب عملیات طوفان الاقصی مورد استفاده قرار می‌گیرد را تبیین نماید. در ادامه به معرفی این سند و آموزه‌های آن خواهیم پرداخت.

^۱ (האם צהל-ערוך-למלחמה-הבאה) (29 اکتبر 2021)، برگرفته از لینک:

<https://mida.org.il/2021/10/29/>

² Michel Foucault

در آوریل سال ۲۰۰۶ و یک سال پس از ریاست دن حالوتس بر ستاد کل ارتش اسرائیل، برنامه‌ی جدیدی توسط او به ارتش ابلاغ شد. در چارچوب برنامه‌ی حالوتس، مقرر شد دانش جدیدی در ارتش اسرائیل در زمینه‌های مختلف توسعه یابد. طرح اعلامی حالوتس با تعدادی از ایده‌های محوری اعم از اینکه چگونه ارتش اسرائیل باید سازماندهی و فکر کند و یا طرح برخی از آراء همچون شناخت دشمن اصلی، به بدنه ارتش ابلاغ شد؛ بیشتر این ایده‌ها در آن زمان نو محسوب می‌شدند (Preisler-Swery, 2017: 9-50 [in Hebrew]) اما مفاد این سند بنا به دلایلی که خواهد آمد به سرعت و پس از جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ کنار گذاشته شد.

طراحی عملیاتی سیستم در سطوح راهبردی و تاکتیکی

SOD^۱ یا طراحی عملیاتی سیستم یک فرایند روش‌شناختی است که نظریه یادگیری را با چالش‌های پیش‌روی رده‌های ارشد ارتش رژیم صهیونیستی تطبیق می‌دهد. SOD زائیده‌ی افکار گروهی از روشنفکران نظامی بود که در پژوهشکده تئوری - عملیاتی IDF مشغول به کار بودند و برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ مطرح شد. این طرح به منظور توسعه رویکردی یکپارچه و خلاقانه در میادین جنگ، از مطالعات اندیشکده‌های آمریکایی و تجزیه و تحلیل متون فلسفه‌ی پست مدرن فرانسه بهره می‌گرفت. مقاله اصلی که SOD در آن مطرح شده است توسط دن حالوتس به امضا رسید و رسماً به عنوان راهنمای عملیاتی و استراتژیک IDF در آوریل ۲۰۰۶ پذیرفته شد. از مهمترین دستاوردهای SOD، نظریه نبرد عملیاتی^۲، عملیات‌های مبتنی بر اثرات^۳ و فعالیت مفصلی^۴ بود. در ادامه به معرفی هر یک از این مفاهیم خواهیم پرداخت.

SOD و نظریه رزم عملیاتی (OCT)

نظریه‌ی رزم عملیاتی^۵ به «تمام اقدامات نظامی و عملیات‌های همراه آنها که تحت یک ایده‌ی خاص قرار گرفته‌اند و به دنبال رسیدن به آن هدف و ایده هستند» تعریف می‌شود (Naveh, 2003: 29). پدر نظریه نبرد عملیاتی ژنرال شمعون ناوه^۶ است که در سال ۱۹۹۴ تحقیقات درباره نظریه نبرد عملیاتی را در دانشکده امنیت ملی جلیله^۷ شروع کرد. نظریه ناوه به بر ساخت یک قلمروی نظری میان راهبرد (بالاترین سطح تعریف از اهداف بیان شده توسط ارکان سیاسی و فرماندهان عالی ارتش)، تاکتیک‌ها و نحوه دستیابی به اهداف بر روی زمین تمرکز داشت. مفاهیم این نظریه از تحلیل سیستم‌ها اقتباس شده بودند که یک نظریه بین رشته‌ای است و از میان سایر رشته‌ها نقطه تلاقی علوم اجتماعی، زیست‌شناسی و علوم رایانه محسوب می‌شود و به دنبال بررسی اصول عملکرد یا عملیاتی یک واحد خاص به عنوان بخشی از سلسله واحدها، روابط متقابل میان آن و دیگر واحدها، و تاثیر آن بر این واحدها و بر کل سیستم است.^۸

^۱ System Operational Design

^۲ Operational Combat Theory

^۳ Effects-based

^۴ Jointness

^۵ Operational Combat Theory

^۶ Shimon Naveh

^۷ National Security College in Gilot

^۸ فلدمن (۲۴ اکتبر ۲۰۰۷). برگرفته از لینک:

<http://www.haaretz.co.il/hasite/pages/ShArt.jhtml?itemNo=916560>

مطابق این مفهوم، ارتش اسرائیل، قبل از هرچیز علیه سیستم‌های دشمن و نه فقط ارتش دشمن وارد عمل می‌شود. برای شکست دادن این سیستم‌ها، ارتش اسرائیل باید نقاط قوت و ضعف را شناسایی کند و تعادل آنها را مختل نماید. هر اقدام نظامی ضرورتاً نه تنها بر رویدادهای میدان نبرد بلکه بر جامعه خودی و دشمن اثرگذار است بنابراین، یک حمله نظامی را می‌توان با استفاده از نیروی محدود و دقیق به پیروزی رساند. مهمترین مسئله این است که نقاط هماهنگی را در تعادل قوای دشمن شناسایی و به آنجا حمله کرد.^۱ بر این اساس مفاهیم جدیدی در ارتش اسرائیل تدوین شد که از تحلیل سیستم‌ها اقتباس شده بودند، مثل «ایده سیستم»، «هرم‌ها»، «خودآگاهی»، «اثرات»، «در هم شکستن منطق دشمن»، «دلالت‌ها» و مانند آنها.

OCT و عملیات‌های مبتنی بر اثرات

چشم انداز جدید حالت‌س، زبان تخصصی ارتش اسرائیل و تعریف اهداف آن را نیز تغییر داد. افسران شروع به صحبت درباره یک رویکرد اثر محور^۲ کردند یعنی توانایی اثرگذاری بر رفتار و قابلیت‌های دشمن با استفاده از ابزارهای مختلف در راستای مجموعه اهداف و ماموریت‌های مشخص به‌طوری که یک تغییر رفتاری مطلوب را بر دشمن تحمیل کند (Lofgren, 2002: 2-3)؛ نمونه‌های این اثرات شامل قطع سر^۳ به معنای حمله به رهبران دشمن (زیرا آنها به تنهایی اهداف نظام را تنظیم می‌کند و قادر به متحول کردن اهداف هستند) و کور کردن به معنای حمله به خطوط و قابلیت‌های ارتباطی دشمن با هدف محروم کردن آن از دانش و اطلاعات درباره وقایع میدان جنگ است. عملیات مبتنی بر اثرات^۴، عملیاتی است که در چارچوب سیستمی تصور و برنامه‌ریزی می‌شود و طیف کاملی از اثرات مستقیم، غیرمستقیم و آبشاری را در نظر می‌گیرد، که ممکن است (با درجات مختلف احتمال) با استفاده از ابزارهای نظامی، دیپلماتیک، روانی و اقتصادی به دست آید (Alabama: Air University Press, 1999, 10-11).^۵ باید در نظر داشت که عملیات‌های مبتنی بر اثرات در ایالات متحده توسعه یافتند و با وجود برخی انتقادات توسط ارتش اسرائیل هم به تصویب رسید. این مفهوم برای دستیابی به هدف، از طریق حمله متمرکز به مراکز ثقل^۶ در سیستم دشمن، اثراتی را ایجاد می‌کند که منجر به پیروزی استراتژیک می‌شود. همانطور که موشه کاپلینسکی^۷ معاون وقت ستاد کل (۲۰۰۵-۲۰۰۷م) گفت:

«یک ستاد کل که ترکیبی از تمام نیروها است (و نه [فقط] ۸۰ درصد از نیروی زمینی)، اثر محور است و نه تانک محور»^۸.

¹ Naveh, op. cit., pp. 34-35.

² Effects-based approach

³ decapitation

⁴ Effects-Based Operations

⁵ https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monograph_reports/2006/MR1477.pdf

⁶ centers of gravity

⁷ Moshe Kaplinsky

⁸ Advanced course for military reporters, 15 January 2006.

تغییرات ساختاری در ارتش اسرائیل بر اساس برنامه حالوتس

ترجیح نیروی هوایی

انتصاب فرمانده نیروی هوایی (دن حالوتس)، به عنوان فرمانده ستاد کل بر ترجیح نیروی هوایی در ارتش اسرائیل افزود. مطابق ساختار ارتش اسرائیل، رئیس ستاد کل به طور مستقیم مسئول عملیات نیروهای زمینی نیز هست در حالی که حالوتس هیچ تجربه‌ای در این حوزه نداشت. حالوتس در ژانویه سال ۲۰۰۱ و در خلال نهادینه کردن OCT، طی سخنرانی‌اش در کالج امنیت ملی می‌گوید:

«تا زمانی که یک نیروی جایگزین هوایی وجود دارد، نباید از نیروی زمینی استفاده کرد؛ ... همین ما را ملزم می‌کند که مفروضات تاریخ مصرف گذشته را کنار بگذاریم: پیروزی برابر است با تصرف قلمروی بیشتر! پیروزی به معنای دستیابی به اهداف راهبردی است و نه لزوماً تصرف قلمرو... پیروزی یک موضوع در قلمروی خودآگاهی است. قدرت هوایی تاثیر چشمگیری بر خودآگاهی دشمن دارد» (Sifriat Maariv, 2007, p. 53).

او در دوران تصدی فرماندهی نیروی هوایی و در همکاری نزدیک با شاباک هم، مبدع عملیات‌های «قتل هدفمند»^۱ فرماندهان و عناصر گروه‌های مقاومت از طریق حملات هوایی بود^۲. ترجیح نیروی هوایی به سایر نیروها ناشی از ترکیب ویژگی‌های سنتی آن (حرکت آزاد در هوا و فضا و تمرکز سریع قدرت آتش) و پیشرفت‌های فناورانه و نوآورانه در حوزه‌های فرماندهی و قدرت آتش بود (Inbar, 2007:2003). این ترکیب که یک انقلاب در امور نظامی (RMA^۳) در نظر گرفته می‌شد، باعث شد که نیروی هوایی دچار تغییرات عملیاتی و سازمانی شود و تاثیر عمیقی بر روش جنگ اسرائیل بگذارد (S. Mets and J. Kievit, 1995:3-4). بنا به ادعای طرفداران، این پیشرفت‌ها نیروی هوایی را قادر می‌سازد که قدرت آتش دقیق را به سرعت متمرکز کند و آن را به شکلی به سمت تجمعات حیاتی قوای دشمن هدایت کند که آن را فلج کند. چنین رویکردی دشمن را در وضعیتی قرار می‌دهد که توانایی چالش آفرینی خود را از دست دهد. فلج کردن فیزیکی و به همراه اثرات روان‌شناختی ناشی از ناتوانی در پاسخگویی باعث می‌شود که دشمن تعادل خود را از دست دهد و از درون فروپاشد (در راستای تحقق OCT) (Fadok, 1995: 14).

این مفروض که نیروی هوایی قادر است یک فلج استراتژیک در دشمن به وجود آورد، در آن زمان با عقاید مشابهی ترکیب شد و تاثیراتی دیگری را هم بر ارتش اسرائیل گذاشت. یک مورد این بود که مانور زمینی آخرین گزینه در خزانه انتخاب‌های ارتش اسرائیل در نظر گرفته شد (Inbar, 2007:4). چنین دیدگاهی با مفهوم «پساقهرمانی»^۴ جنگ‌افزار تناسب دارد که بر اساس آن، جنگ تا زمانی از نظر مردم و رهبران آنها مشروع خواهد بود که با کمترین تلفات از نیروهای درگیر خودی و غیر نظامیان طرف مقابل به اهداف خود برسد (Kober, 2006: ۲۲)؛ بنابراین بر اساس OCT، ترجیح این است از نیرویی استفاده شود که قادر باشد حملات پرتعداد و

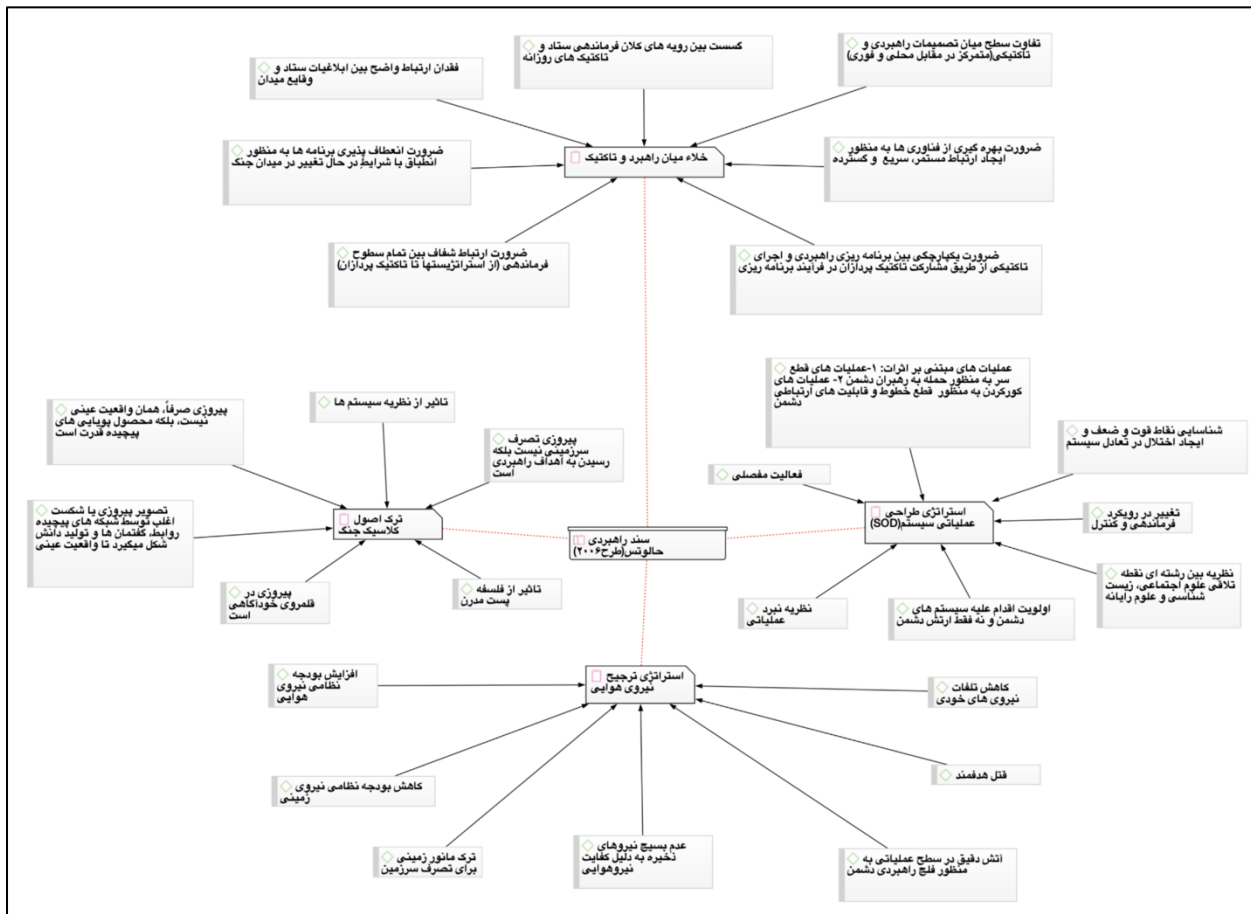
¹ Targeted killing

² <http://www.haaretz.com/news/pilot-who-refused-to-bomb-palestinian-targets-gets-golden-wings-1.262849>

³ Revolution in Military Affairs

⁴ Post-heroic

دقیق به اهداف دشمن انجام دهد و در عین حال کمترین ریسک را برای نیروهای نظامی خودی ایجاد کند (Luttwak, 2002: 100).



تصور شماره ۲. شاکله معنایی سند حالوتس خروجی نرم افزار اطلس تی.

ارزیابی مبانی حالوتس در جنگ دوم لبنان

اولین تجربه IDF^۱ با SOD در جولای ۲۰۰۶ در جنوب لبنان (طبق ادعای افسران ارتش اسرائیل در آن مقطع) فاجعه آمیز بود. محتوای روشن فکرانه‌ی آن نه تنها درک افسران ارشد را به چالش کشید بلکه ادراکات فوکویی آن بیش از آنکه موجب وضوح و روشن سازی در میدان جنگ شود، باعث سردرگمی شد و پیامد آن بد تعبیر شدن اوامر یا در کل نادیده گرفته شدن دستورات فرماندهان در میدان نبرد بود. در آن مقطع SOD به ادعای زیر دستان حالوتس به جای کامل کردن عملیات ها، نقش مهمی در بی نظمی تاکتیکی ایفا کرد. عملکرد IDF در جریان جنگ سی و سه روزه زیر سوال رفت به حدی که نتایج قابل پیش بینی بود؛ هنگامی که فرماندهی عالی اسرائیل به بررسی نواقص و ناکامی هایی که در جنگ سی و سه روزه عیان شد پرداختند، SOD

¹ Israel Defense Forces

به سرعت کنار گذاشته شد. جانشینان حالوتس (گبی اشکنازی و بنی گانتز) طی فرآیندی طولانی به بررسی مجدد سازمانی و نظری آن پرداختند که زیر نظر کمیته مریدور ۲۰۰۷ و کمیته وینوگراد^۱ صورت می گرفت. امروزه، بحث‌هایی در ارتش اسرائیل درباره اینکه آیا رویکرد تاثیرمحور به این دلیل شکست خورد که از اساس اشتباه بود یا اینکه به طور مناسب با شرایط ارتش هماهنگ نشده بود و در اجرای آن افراط به خرج داده شد، در محافل اندیشه‌ورز صهیونیستی وجود دارد. جالب اینکه کمیسیون وینوگراد در همان زمان نیز درباره شکل‌گیری خطر اعتبار زدایی^۲ (ناشی از جنگ لبنان) از تمام ایده‌ها به اسم «بازگشت به اصول اولیه» هشدار داد. در گزارش این کمیسیون چنین آمده است:

«برخی که موضع انتقادی شدیدی علیه رویکرد عملیاتی جدید حالوتس دارند، فراموش کرده‌اند که توسعه این رویکرد یک تلاش اصیل، مهم و ضروری بود تا روی یک شکاف مفهومی در ارتش اسرائیل (خلاء بین راهبرد و تاکتیک) پُل بزند. ارتش لایق تقدیر است زیرا بسیار به این مسئله پرداخته و توجه زیادی به آن کرده است. ارتش اسرائیل برای سناریوهای بنیادین مختلفی که متناسب با چالش‌های پیش‌روی آن باشد هیچ گزینه‌ای جز به‌روز رسانی یا تدوین رویکردهای جدید ندارد. باید فرماندهان را با یک مفهوم گسترده‌تر و انتزاعی‌تر آشنا کرد. باید تاکید کرد که نه در هر جنگی یا نه در سایر کابردهای نیرو ضرورتی ندارد یا امکان ندارد یا مطلوب نیست که سرزمین‌های دیگر را تصرف کرد» (Winograd, 2008: 323).

در نتیجه ارتش اسرائیل بعد از جنگ دوم لبنان، نظریه نبرد عملیاتی را به طور کامل رد نکرد و در سال‌های بعد دو گروه از افسران ارشد در سطوح سرهنگی و سرتیپی دوره‌هایی در هنر رزم عملیاتی را طی کردند. در هر صورت، پس از جمگ سال ۲۰۰۶ لبنان وضعیت رقت باری در ارتش رژیم صهیونیستی به وجود آمد به طوری که برخی از افسران ارشد حتی می‌گفتند از زمان پایان جنگ انگار از بالا دستور داده بودند که فکر کردن را متوقف کنیم. بدون شک ارتش اسرائیل پس از دوران حالوتس از طوفان‌های اندیشه‌ورزی که مشخصه بارز دوران موشه یعلون بود فاصله فراوانی گرفته است.

اما پس از گذشت دو دهه از پیشنهاد اجرای این رویکرد در ارتش، طی نبرد اسرائیل با مقاومت بر اثر عملیات طوفان الاقصی، شاهد بازگشت به مبانی پیشنهادی حالوتس و تلاش برای محقق کردن همان اهداف در ارتش اسرائیل هستیم. در ادامه به صورت موردی این راهبرد اسرائیل را در نبرد با حزب‌الله لبنان به تصویر خواهیم کشید.

بازگشت به آموزه‌های سند حالوتس در جنگ ۲۰۲۳ اسرائیل با حزب‌الله

به فاصله‌ی یک روز از آغاز جنگ میان ارتش رژیم صهیونیستی و فلسطین در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نبرد حزب‌الله با رژیم صهیونیستی در شمال فلسطین اشغالی کلید خورد. پس از گذشت ۱۳ ماه از درگیری طرفین در جبهه‌ی شمالی اراضی اشغالی و جنوب لبنان (۲۷ نوامبر ۲۰۲۴) و بر اساس آمار وزارت بهداشت دولت لبنان، تا ۲۴

^۱ کمیسیون وینوگراد (در انگلیسی Winograd Commission: در عبری: ועדת וינוגרד) نام کمیته تحقیق دولتی و مستقل اسرائیل است که در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۶ برای بررسی عملکرد دولتمردان و نظامیان این کشور در جریان جنگ اسرائیل و لبنان (۲۰۰۶) با حزب‌الله لبنان در شهر تل‌آویو با اختیارات تام تشکیل شد.

^۲ Sweeping invalidation

نوامبر ۲۰۲۴، ۳۷۶۸ شهروند این کشور (نظامی و غیرنظامی) در جنگ با رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند و ۱۵۶۹۹ نفر مجروح شده‌اند. البته در طرف مقابل نیز ۴۵ غیر نظامی ساکن شمال فلسطین اشغالی و حداقل ۷۳ سرباز کشته شده‌اند.^۱

چهره‌های بارز مقاومت و فرماندهان حزب‌الله که در این مدت به شهادت رسیده‌اند، عبارتند از:

۱. محمد نعمه ناصر، فرمانده یگان عزیز^۲ حزب‌الله
۲. طالب سامی عبدالله، فرمانده یگان نصر^۳ حزب‌الله
۳. وسام حسن الطویل، از اعضای شورای مرکزی حزب‌الله^۴
۴. قاسم سقلای، فرمانده یگان موشکی حزب‌الله در تیپ ساحلی
۵. علی نعیم، معاون فرمانده یگان موشکی حزب‌الله
۶. فؤاد علی شکر، عضو ارشد شورای جهادی حزب‌الله و مسئول پشتیبانی نظامی در جنگ ۸ اکتبر.
۷. ابراهیم عقیل فرمانده یگان رضوان^۵ حزب‌الله.
۸. ابراهیم قبیسی مسئول آموزش یگان بدر و سامانه‌های موشکی حزب‌الله.
۹. محمد سرور از فرماندهان یگان پهبادی حزب‌الله.

و در نهایت شهادت سید حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله در ۲۷ سپتامبر، شهادت شیخ نبیل قاووق عضو شورای اجرایی حزب‌الله در ۲۹ سپتامبر و شهادت سیدهاشم صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۴.

پس از عدم توفیق نیروی زرهی ارتش رژیم صهیونیستی در عملیات زمینی غزه و بازیابی قدرت نظامی حماس بعد از یک‌سال درگیری، طبیعتاً تمامی دستاوردهای ارتش اسرائیل در حوزه‌ی عملیات‌های هوایی و ترورهای هدف‌مند جای می‌گیرد؛ در حقیقت این تمرکز ارتش اسرائیل بر حذف فرماندهان مقاومت ناشی از همان برنامه‌ی جامع است که از زمان ریاست دن حالتس^۶ بر ستاد کل ارتش اسرائیل (۲۰۰۷-۲۰۰۵م) دنبال می‌شد. گفته شد که مطابق این مفهوم، ارتش اسرائیل، قبل از هرچیز علیه سیستم‌های دشمن و نه فقط ارتش دشمن وارد عمل می‌شود. برای شکست دادن این سیستم‌ها، ارتش اسرائیل باید نقاط قوت و ضعف را شناسایی کند و تعادل آنها را مختل نماید. هر اقدام نظامی ضرورتاً نه تنها بر رویدادهای میدان نبرد بلکه بر جامعه خودی و دشمن اثرگذار است، بنابراین یک حمله نظامی را می‌توان با استفاده از نیروی محدود و دقیق به پیروزی رساند. مهمترین مسئله این است که نقاط هماهنگی را در تعادل قوای دشمن شناسایی و به آنجا حمله کرد. بر اساس همین الگوی رفتاری رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۲۴ و پس از حذف رهبران این گروه، اقدام به حمله‌ی

^۱ <https://www.reuters.com/world/middle-east/costs-israel-hezbollah-conflict-lebanon-israel-2024-11-26/>

^۲ یگان عزیز از جمله یگان‌های رزمی حزب‌الله است که نیروهای این یگان در جنوب شرقی لبنان تا منطقه بقاع غربی حضور دارند.

^۳ این یگان در جنوب لبنان از مرزهای این کشور با فلسطین اشغالی تا رودخانه لیتانی مستقر شده است.

^۴ شورای مرکزی حزب‌الله یکی از ارکان تشکیلاتی این جنبش است که از نظر ساختاری ذیل دبیر کل آن تعریف می‌شود. این شورا هفت عضو دارد که برای سه سال انتخاب می‌شوند و ریاست پنج کمیته جهادی، سیاسی، اجرایی، امور مجلس و قضایی را عهده‌دار هستند.

^۵ یگان نیروهای ویژه حزب‌الله، به یگان «رضوان» معروف است.

^۶ Dan Halutz

زمینی به خاک لبنان نمود (که البته این راهبرد در حوزه‌ی زرهی و زمین، دستاوردهای چندانی برای ارتش رژیم صهیونیستی به دنبال نداشت).

در پایان بار دیگر مورد به مورد مفاد اصولی سند حالوتس در مواجهه با حزب الله مرور خواهد شد.

۱- تمرکز بر تصویرسازی پیروزی از طریق جنگ رسانه‌ای، چراکه پیروزی در قلمروی خودآگاهی هر فرد جای دارد.

۲- استراتژی طراحی عملیاتی سیستم مشتمل بر موارد زیر:

- اجرای عملیات‌های قطع سر از طریق حمله به رهبران حزب الله.

- اجرای عملیات‌های کور کردن از طریق عملیات انفجار پیجرها.

۳- ترجیح نیروی هوایی بر سایر نیروها.

با وجود اقدام به مانور زمینی برای تصرف زمین و بسیج نیروهای ذخیره در جنگ با حزب الله، در نهایت اتکای ارتش رژیم صهیونیستی بر قتل هدفمند (پهپاد و حمله هوایی) و آتش دقیق هوایی بود؛ رویکردی که حتی در دوران آتش بس و پسا جنگ هم ادامه دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس انگاره‌های موجود در سند حالوتس، ارتش اسرائیل در هر نبرد قبل از هر چیز علیه سیستم‌های دشمن و نه فقط ارتش متخاصم، وارد عمل می‌شود. برای شکست دادن این سیستم‌ها، اسرائیل نقاط قوت و ضعف را شناسایی و تعادل آنها را مختل می‌کند. بر این اساس هر اقدام نظامی ارتش اسرائیل ضرورتاً نه تنها بر رویدادهای میدان نبرد بلکه باید بر جامعه خودی و دشمن اثرگذار باشد؛ برای نیل به این هدف، طی سالیان متمادی رؤسای ستاد ارتش اسرائیل با طراحی یک فرایند روش‌شناختی بر اساس تحلیل‌های فلسفه‌ی پست مدرنی خصوصاً ادراکات فوکو، نظریات یادگیری را با چالش‌های پیش‌روی رده‌های ستادی و صف ارتش رژیم صهیونیستی تطبیق داده‌اند؛ ایده‌های فوکویی که مفاهیم سنتی پیروزی و شکست را به چالش کشید و مدعی تعیین تصویر پیروزی یا شکست توسط شبکه‌های پیچیده روابط، گفتمان‌ها و تولید دانش شد تا واقعیت عینی! ارتش اسرائیل نیز هم‌راستا با همین مبانی با فلج کردن نقاط ثقل دشمن و تمرکز بر اثرات روان‌شناختی ناشی از ناتوانی رقیب در پاسخ‌گویی، در پی برهم زدن تعادل و فروپاشی دشمنانش است. تمرکز بر حذف فرماندهان مقاومت در عین ناتوانی مقاومت از پاسخ‌گویی متوازن موجب ترمیم چهره‌ی اسرائیل در جبهه‌ی خودی و القای شکست در جبهه‌ی مقابل خواهد شد.

می‌توان اینگونه تحلیل کرد که بر خلاف سایر شرکای مقاومت، واکنش جمهوری اسلامی ایران به شهادت فرماندهان میدانی خود در واقعه‌ی حمله به سفارت ایران در سوریه (اجرای عملیات وعده‌ی صادق ۱) و ترور اسماعیل هنیه در تهران (اجرای عملیات وعده‌ی صادق ۲) به‌نوعی یک ضد استراتژی علیه نظریه *SOD* محسوب می‌شود که معرف پیروز میدان جنگ بین ایران و اسرائیل و القای ناتوانی از ادامه‌ی این سنخ اقدامات در جبهه‌ی دشمن خواهد شد.

در پایان باید بدین نکته تصریح داشت که اگرچه سایر گروه‌های مقاومت، توان چنین پاسخ‌گویی را برای تعیین تصویر پیروز در جنگ ندارند اما رعایت اصول اختفا و پدافند در برابر عملیات‌های ویژه اسرائیل بر علیه فرماندهان مقاومت، به خودی خود کاهندگی لازم در این عرصه را برای ارتش اسرائیل به‌همراه خواهد داشت؛ شبکه‌ی

تونل‌های زیر زمینی حماس در نوار غزه، یک نمونه‌ی بارز، ساده و در دسترس از این سنخ اقدامات محسوب می‌شود که در آینده باید در دستور کار تمامی اعضای محور مقاومت قرار گیرد.

فهرست منابع

- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی (مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی). *راهبرد فرهنگ*، شماره بیست و نهم، ۶۱-۹۱.
- یوسفی امیر محمد حاجی؛ بغیری علی (۱۳۹۰). وضعیت مطالعاتی تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*، سال هفتم، شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۳۹۰، پیاپی ۱۴، ۶۹-۹۷.
- اکبری، مرتضی و غفوریان، فاطمه السادات (1393)، *تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Kober, "The Second Lebanon War," *Perspectives Paper* 22, 2006, 1, Available at: <<http://www.biu.ac.il/SOC/besa/perspectives22.pdf>>
- Rapaport, *Friendly Fire: How We Undid Ourselves in the Second Lebanon War*, [in Hebrew], Tel Aviv: Sifriat Maariv, 2007, p. 53.
- Posen (1984) *The sources of military doctrine: France, Britain, and Germany between the world wars* (Ithaca, NY: Cornell University Press.
- S. Gray (2010) *The strategy bridge* (Oxford: Oxford University Press, 2010).
- D.S. Fadok, *John Boyd and John Warden: Air Power's Quest for Strategic Paralysis*, Maxwell Air Force Base, Alabama: Air University Press, 1995. p.14, Available at: <http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA291621&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf>
- Inbar, "How Israel Failed in Lebanon in the summer of 2006," [in Hebrew], *BESA Colloquia on Strategy and Diplomacy* 73, 2007, 7, Available at: <http://www.biu.ac.il/Besa/MSPS73.pdf>
- Inbar, "The Failures of Strategic Thought," [in Hebrew], *BESA Colloquia on Strategy and Diplomacy* 22, 2007, 4, Available at: <http://www.biu.ac.il/Besa/coll22.pdf>
- Winograd, R. Gavison, Y. Dror, C. Nadel and M. Einan, *Military Aspects of the Conduct of the War*, [in Hebrew], The Commission of Inquiry into the Events of Military Engagement in Lebanon 2006: Final Report, Jerusalem, January 2008, p. 323.
- E.N. Luttwak, *Strategy of War and Peace*, [in Hebrew], Tel Aviv: IDF-Ma'archot/Defense Ministry Publishers, 2002, pp. 100-101.
- Gartner (1999) *Scott Sigmund, Strategic Assessment in War*, Yale University Press.

- <https://mwi.westpoint.edu/what-is-army-doctrine/> John Spencer | 21 - 3 – 2016.
- J.G. Lofgren, *21st Century Air Power Theorists: Who Has It Right John Warden or Robert Pape?* Washington: National War College, National Defense University, 2002, pp. 2-3, Available at: <http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA442423&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf>
- J.S. Sauboorah (2009) *The Articulation of War: An Assessment of British Military Doctrine*, PhD thesis University of Reading.
- James S. Corum (1992) *The Roots of Blitzkrieg: Hans Von Seeckt and German Military Reform*, University Press of Kansas, 1992 - Germany.
- Kolodziej, Edward (2005) *Security and International Relations*, London, Cambridge University Press.
- NATO, AJP-3.3(A): *Joint Air & Space Operations Doctrine (RD03)*, (Bruxelles: NATO HQ, 2008).
- NATO, AJP-5: *Allied Joint Doctrine for Operational-Level Planning*, (Bruxelles: NATO HQ, 2005).
- Preisler-Swery, D. (2017). What can be learned from the process of developing the operation concept (2006). *Bein Haktavim*, 10, 9-50 [in Hebrew].
- S. Mets and J. Kievit, *Strategy and the Revolution in Military Affairs: From Theory to Policy*, Carlisle: Strategy Studies Institute, United States Army War College, 1995, pp. 3-4, Available at: <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/ssi/stratrma.pdf>
- S. Naveh, *The Art of Battle: The Emergence of Military Excellence*, [in Hebrew], Tel Aviv: IDF-Hotza'at Ma'archot/Defense Ministry Publishers, 2003, p. 29.
- S.D. West, *Warden and the Air Corps Tactical School: Déjà vu?*, Maxwell Air Force Base, Alabama: Air University Press, 1999, pp. 10-11, Available at: <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/saas/west.pdf>
- Y. Feldman, "Warhead," *Haaretz* 24 October 2007, [in Hebrew], Available at: <http://www.haaretz.co.il/hasite/pages/ShArt.jhtml?itemNo=916560>
- Finkel, M. (2018). The chief of staff: Comparative study of six aspects of the role of the commander of the army. Modan, with IDF Maarachot Publishers and the Ministry of Defense Publications.
- Rapaport, A.(2010). The IDF and the Lessons of the Second Lebanon War, THE BEGIN-SADAT CENTER FOR STRATEGIC STUDIES BARILAN UNIVERSITY .Mideast Security and Policy Studies No. 85.

The Dilemma of the Gap Between Strategy and Tactics in the IDF

Ebrahim Kimiyaei Devin^۱

Mohammad Hossein Safaei^۲

Abstract:

The gap between strategy and tactics in a military force refers to the disconnect between high-level command procedures and the daily tactics employed by frontline troops. This vacuum can lead to confusion, inefficiency, and, ultimately, the failure of a military force. The Israel Defense Forces, despite its geostrategic vulnerabilities and limited manpower, remains one of the world's most prominent armed forces, constantly striving to overcome this dilemma. To address this issue, successive chiefs of staff of the IDF have developed a methodological process based on postmodern philosophical analysis—particularly Foucauldian epistemology—to align learning theories with the challenges faced by both command and frontline units. This process serves as an intermediary layer between strategy and tactics, bridging the gap between command-level decisions and the actions of tactical operators on the battlefield. This study employs descriptive and content analysis methods, examining strategic defense documents of Israel using ATLAS.ti software, to clarify the theoretical domain connecting strategy, tactics, and operational objectives in the IDF. Findings indicate that the IDF prioritizes targeting enemy systems—rather than just opposing armies—to mitigate the strategy-tactics gap. By identifying and disrupting the strengths and weaknesses of these systems, the IDF seeks to unbalance adversaries. Accordingly, every IDF operation is designed not only to influence battlefield events but also to psychologically impact both its own society and the enemy. In essence, Israel aims to paralyze enemy centers of gravity, exploit psychological effects from the opponent's inability to respond, and ultimately destabilize and collapse its adversaries.

Key Words: IDF, Strategy, Tactics, System Operational Design, Effects-based Approach

¹Author 1: PhD in Political Science from Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

² Author 2 (Corresponding Author): PhD in Philosophy, Assistant Professor at the National Defense University, Tehran, I.R.Iran.